



## سفر به مدائن، دیار سلمان فارسی/ جمله ای که حضرت علی(ع) روی قبر سلمان نوشت

همه چیز پیش بینی نشده اتفاق افتاد یعنی از تهران که به مقصد کربلاراه افتادیم هیچ برنامه ای برای سفر به مدائن و زیارت قبر سلمان فارسی نبود.

گزارش خبرآنلاین از سفر به شهر مدائن، شهر تاریخ، شهر سلمان فارسی همه چیز پیش بینی نشده اتفاق افتاد یعنی از تهران که به مقصد کربلاراه افتادیم هیچ برنامه ای برای سفر به مدائن و زیارت قبر سلمان فارسی نبود. اما آنجا ماجرا به گونه ای دیگر رقم خورد. خیلی بی سر و صدا و بی هیاهو خبر رسید که مدیران کاروان های زیارتی جلسه ای دارند با نماینده شرکت شمس در عراق و قرار است در آن جلسه از میان آن همه کاروان ایرانی دو کاروان به قید قرعه برای رفتن به مدائن انتخاب شوند.

ازقضا قرعه به اسم کاروان ما درآمد و یک کاروان دیگر که از ورامین آمده بودند. و ما که همیشه درباره این یار ایرانی پیامبر(ص) و علی (ع) که معروف شد به «منا اهل البيت» زیاد شنیده بودیم سراز پا نمی شناختیم برای زیارت حرمش. صبح بود که با دو اتوبوس و البته در میان تدابیر شدید امنیتی به سمت مدائن راه افتادیم، شهری در 30 کیلومتری جنوب شرقی بغداد که مسیر دسترسی آن از جاده بغداد- کوت است. چند ماشین نظامی عراقی که مسلح بودند به رگبار و سربازانش به اسلحه در پیاپیش، عقب و طرفین اتوبوس درتمام طول مسیر اسکورتمان کردند تا خود شهر مدائن. و ما که کنجکاوانه هرازگاهی پرده های اتوبوس را که به خاطر مسائل امنیتی ممنوع بودیم از کنار زندشان، یواشکی پس می زدیم برای تماشای شهر بغداد که در آن ساعات اولیه صبح پر از حس زندگی بود و جنب و جوش.

اتوبوس هاخیلی با احتیاط و بدون توقف اضافه ای در مسیر، بزرگراه ها را طی کردند برای رساندمان به مدائن. و در این میان اگر جایی در میان ترافیک صبحگاهی ماشین ها می ماندند، آشکارا می شد نگرانی را در چهره راننده و نیروهای امنیتی عراقی که اسکورتمان می کردند، دید. بالاخره به مدائن رسیدیم شهری که با همه پرآوازه بودنش در تاریخ عرب و عجم رد و نشانی از توسعه و پیشرفت شهری در آن نمی شد دید؛ اما سرسبز بود به واسطه همسایگی اش با رود دجله. در میدان شهر پلاکاردهایی نصب شده بود حاوی جملاتی به زبان عربی بود. فهمیدن اینکه روی آنها چه نوشته خیلی سخت نبود اگر فقط کمی عربی بلد بودی. به ما خوشامد گفته بودند: «اهلا و سهلا لزوار ایرانی... شیخ الشیوخ مدائن» و این خوشامد گویی یعنی اینکه ما اولین زائران ایرانی ای هستیم که در تمام این سالها که رفت و آمد به کربلا آزاد شده در قالب کاروان پایمان به این شهر کوچک؛ اما مهم و تاریخی رسیده. و اینکه اهالی مدائن خوشحالند از این اتفاق که شاید با آمدن زائران ایرانی به شهر کوچکشان اقتصاد آنها هم رونقی پیدا کند. مثل کربلا، نجف و کاظمین.

### سلمان فارسی یا سلمان محمدی؟

اهالی شهر همه با تعجب اتوبوس ها را نظاره می کنند و بچه ها هیجان زده دنبال اتوبوسها می دوند. شهر کاملاً غبار گرفته است. همان غبار معروف عربی که سر و کله اش هرازگاهی در شهرهای مرزی خودمان هم پیدا می شود. از میان فضای غبار آلود مدائن گنبد حرم سلمان فارسی نمایان می شود. گنبدی که رنگ خاکی رنگش بدجوری با هوای غبار آلود مدائن هارمونی پیدا کرده است. از اتوبوس ها پیاده می شویم.

نیروهای امنیتی عراقی هم به فاصله کمی در چند قدمی مان حرکت می کنند و مراقب اوضاع. می گویند توقف مان در حرم سلمان فارسی فقط به اندازه یک زیارت و خواندن دو رکعت نماز خواهد بود و نه بیشتر و باید سریع برگردیم سمت اتوبوسها. ناگفته پیداست که پای مسئولان بازسازی ستاد عتبات عالیات هنوز به اینجا باز نشده. این را ضریح هنوز چوبی سلمان، زمینی که فرش ندارد و سقف و دیوارهایی که در آنها خبری از کاشی کاری و آینه کاری نیست، می گویند. (البته حرم سلمان فارسی طی چند ماه گذشته توسط ستاد بازسازی عتبات عالیات مورد بازسازی قرار گرفته) روی ضریح چوبی و قدیمی سلمان تابلویی نصب شده با این مضمون: «السلام علیک یا سلمان محمدی» و ما که همیشه سلمان را با پسوند «فارسی» می شناختیم حالا متعجب می شویم از پسوند «محمدی» که پیشاپیش اسم سلمان قرار گرفته.

### جمله ای که حضرت علی (ع) روی قبر سلمان نوشت

قیافه سربازان عراقی هم جالب بود انگار آنها هم اولین بار بود که به مدائن آمده بودند و مزارسلمان را می دیدند چون با هیجان کنار ضریح می ایستادند و از هم با دوربین های موبایلشان عکس می گرفتند. داخل ضریح کمی اسکناس هم بود البته کاملاً از نوع عراقی اش. اینجا خبری از به قول عراقی ها «تفتیش» که قبل از ورود به همه اماکن زیارتی عراق باید و لابد از تن دادن به آن هستیم، نبود. بردن موبایل و دوربین هم به داخل حرم آزاد بود برای همین ایرانی و عراقی با خیال راحت عکس

گرفتند و فیلم. کمی آن سو تر از ضریح جایی بود که با عنوان محل غسل سلمان مشخص شده بود. و کنارش روی تابلویی این عبارات نوشته شده بود: « امیرالمومنین (ع) با طی الارض خود را برای دفن سلمان فارسی به مدائن رساندند و خود شخصا امور کفن و دفن او را برعهده گرفتند .

حضرت علی (ع) در آخر کار با دست خود بر روی قبر سلمان شعر زیر را نوشتند:  
وفدت علی الکریم بغیر زاد \*\*\* من الحسنات والقلب السلیمی  
وحمل زاد اقبح کل شیء \*\*\* اذا کان الوفود علی الکریمی  
بدون هیچ زاد و توشه ای از حسنات و قلب سلیم بر شخص کریمی وارد شدم  
و در پیشگاه کریم بردن زاد و توشه زشت ترین کار است»

کمی آن سو تر از ضریح سلمان سه قبر شریف دیگر هم بود . یکی از آن عبدالله بن جابر انصاری از اصحاب رسول الله که روی ضریحش این عبارت نوشته شده بود: « هذا مرقد الصحابی الجلیل عبدالله بن جابر الانصاری » ، دیگری از آن حذیفه بن یمان که حضرت علی (ع) در نهج البلاغه خطبه ای خطاب به او دارد و دیگری از آن امامزاده ای از فرزندان امام محمد باقر(ع) به نام طاهر بن امام محمد باقر(ع) .

قدم زدن زیر آن طاقی خشتی بلند طبق وعده بعد از دو رکعت نماز و زیارت سریع برگشتیم سمت اتوبوس ها. قرار بود حالا که تا اینجا آمدم به ایوان مدائن هم برویم که با فاصله کمی از حرم سلمان قرار داشت. همان طاق کسری که در زمان ولادت پیامبر (ص) ترک برداشت و گنگره هایش فرو ریخت ، همان کاخ معروف پادشاهان ساسانی. اطراف بنا تا چشم کار می کند بیابان است و بیابان. تا چند کیلومتری ایوان مدائن خبری از ساختمان و بنای مهمی نیست. دور تا دورش را با یک حفاظ سیمی پوشانده اند تا مثلاً کسی نتواند به راحتی داخل محوطه شود. جلو در ورودی هم چند سرباز عراقی مراقب رفت و آمدها هستند. به جایی که از آن همه شکوه و عظمت تاریخی اش چیزی باقی نمانده جزء طاقی شکسته.

طاقی که می گویند بلندترین طاق خشتی ساخته شده به دست انسان در جهان است. با این همه تماشای همین ویرانه و قدم زدن زیر آن طاقی خشتی بلند موجب تحسین ات می شود و حالت را جور دیگری می کند. بازار عکس و فیلم اینجا هم داغ داغ است. سربازهای عراقی هم گوشه و کنار بنا و تندیس مجسمه ای شکسته می ایستند و با ژست های خاصی ازهمدیگر تند و تند عکس می گیرند. انگار آنها هم برای اولین بار است که این بنا را از نزدیک می بینند. گاهی هم ایرانی ها کنارشان می ایستند و عکس هایی عربی- عجمی می گیرند به یادگار. توقف مان در ایوان مدائن خیلی طول نمی کشد شاید 15 دقیقه. ایرانی ها هنوز مشغول عکس و فیلم گرفتن هستند که ماموران امنیتی عراق می خواهند که برگردیم و سوار اتوبوس ها شویم برای برگشتن. از مدائن که خارج می شویم اهالی شهر برایمان دست تکان می دهند و شاید در دلشان آرزو می کنند که ما اولین و آخرین کاروان ایرانی ای نباشیم که به مدائن آمدم برای زیارت مزار سلمان فارسی و البته تماشای باقی مانده شکوه و عظمت ایوان مدائن.